

خیلی دور خیلی نزدیک

فیلم‌های برتر ۲۰۱۳ به انتخاب «نیویورکر»

آخرین ساخته عباس کیارستمی در رتبه سوم سحر آزاد



● آخرین ساخته عباس کیارستمی «مثل یک عاشق» که یکی از نامزدهای نخل طلای کن نیز بود، از سوسی مجله «نیویورکر» رتبه سوم بهترین فیلم‌های سال ۲۰۱۳ کسب کرد. مجله نیویورکر در تحلیلی که از آثار اکران‌شده در سال ۲۰۱۳ ارائه کرده، فهرستی از ۳۰۰فیلم برتر سال جاری را معرفی کرده است که از سوی ریچارد برانن انتخاب شده‌اند. در این فهرست نام عباس کیارستمی هم برای ساخت فیلم مثل یک عاشق وجود دارد. او پس از مارتین اسکورسزی و ترنس مالیک، به‌عنوان سومین کارگردان برتر سال معرفی شده است. فیلم «مثل یک عاشق» محصول مشترک ژاپن و فرانسه است که در سال ۲۰۱۲ ساخته شد و رین تاکاگاشی، تاداشی اوکونو و ریزو کاسه بازیگران اصلی آن هستند. این اثر پیش از این نیز مورد توجه قرار گرفته بود و به‌عنوان یکی از ۲۲فیلم بخش مسابقه شصتوپنجمین دور جشنواره فیلم کن به نمایش گذاشته شد و یکی از نامزدهای نخل طلای این رقابت بود. برانن همچنین در مطلب خود پیش از آنکه به سراغ معرفی فهرست برترین فیلم‌هایش برود، در توصیف آثار انتخاب‌شده، گفته است: «سال ۲۰۱۳ برای سینما، خیره‌کننده است. البته هر سال برای سینما می‌توان خیره‌کننده‌باشد اگر فیلم‌های شگفت‌انگیزی برای آن سال تهیه شده باشد. برای اسامی هم فهرستی از بهترین فیلم‌ها تهیه شده است اما تهیه یک فهرست تنها یک امر کمی نیست بلکه یک موضوع مجادله‌برانگیز است.»او همچنین عنوان می‌کند که سینما یک هنر تصویری و صوتی است و کیفیت‌های پلانزاع وجود دارد. به اعتقاد او بهترین فیلم‌های امسال، آثاری مربوط به سینمای مبارزاتی یا مجادله‌ای و اختراعات بی‌پروا از لحاظ بصری بودند و پس از آن فهرستی از ۲۰۰ (فیلم برتر سال ۲۰۱۳ را مطرح می‌کند که براساس آن، رتبه اول و دوم به صورت مشترک به «گرگ وال استریت» ساخته مارتین اسکورسزی و «به سوی شگفتی» اثر ترنس مالیک رسیده است. عباس کیارستمی با فیلم «مثل یک عاشق» جایگاه سوم این فهرست را از آن خود کرده و در ادامه باز هم به صورت مشترک به «شطرنج کامپیوتر» اثر اندرو بوخالسکی و «رنگ جریان اصلی» ساخته شین کروت به‌عنوان رتبه چهارم و پنجم انتخاب شده‌اند. «شب در خیابان» به کارگردانی راؤل رویز رتبه ششم، «یک‌دوره گناه» ساخته ژیا ژانگه رتبه هفتم، «آبی گرم‌ترین رنگ است» به کارگردانی عبدالطیف کشیش رتبه هشتم و «ساده‌سازی فوق‌العاده زیبایی او» ساخته ترنس ناس رتبه نهم را به‌دست آوردند. رتبه دهم تا دوازدهم به‌صورت مشترک به «درون لوین دیویس» اثر برادران کوئن، «خورشید نمی‌درخشد» ساخته ایمی سیمیتس و «جسم آنها مقدس نیست» به کارگردانی دیوید لوری اختصاص پیدا کرده است.

زیر آسمان فیر وزهای

تخلفات ناشران در «هیات بدوی» بررسی می‌شود

● شرق:قطار انتصاب‌ها سرانجام به معاونت فرهنگی رسید و هر چند همه منتظر بودند تا رییس اداره کتاب را تا پایان هفته جاری اعلام کند سیدعباس صالحی در دومین مجموعه انتصابیاش طی احکام جداگانه رییس و اعضای هیات بدوی رسیدگی به تخلفات ناشران استان تهران را منصوب کرد. بنا بر آنچه در این احکام آمده است تشکیل و راه‌اندازی هیات‌بدوی استان تهران برابر ضوابط و قانون نشر و برای اولین‌بار در این استان و با هدف تقویت ابعاد حقوقی و اجرایی و همچنین استحکام آرای اعلام‌شده است. در سه‌سال گذشته این هیات در وزارت فرهنگ‌وراشاد اسلامی تشکیل شد و حکم برخی از ناشران را به صورت شفاهی ابلاغ کرد. نشر چشمه، آگاه، اختران و… ناشرانی هستند که در این جریان معلق شدند. حالا صالحی برای بریزن ضربه‌ای (مدیرکل فرهنگ‌وراشاد اسلامی استان تهران) به‌عنوان رییس هیات‌بدوی رسیدگی به تخلفات ناشران استان تهران حکم صادر کرده است. همچنین طی احکامی جداگانه محمود آموزگار و سیدحبیب‌الله مهرقاسمی به‌عنوان اعضا انتخاب شدند.

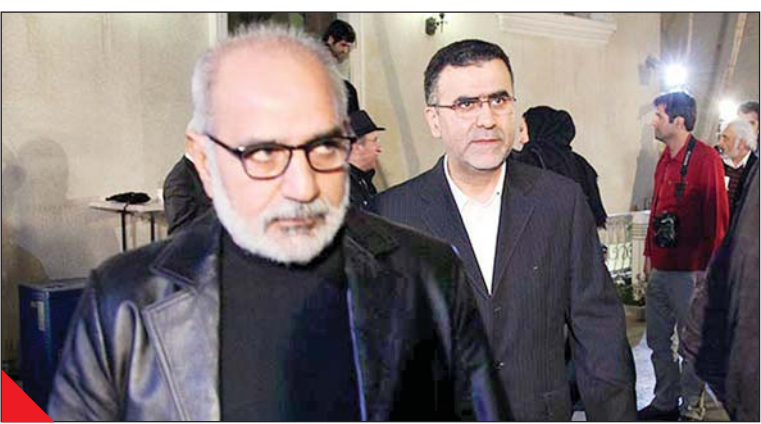
جمعه ۱۵ آذر، خیابان دولت که الان شده شهیدکلاهدوز، نم باران و بوی برگ‌های خیس چنار که هوش از سر آدم می‌برد، کوچه نگار و تنها خانه‌ای که از ساخت و ساز چندین طبقه‌ای در امان مانده، خانه پرویز کلاتری است. با یک حیاط بزرگ که در آن خرماوهای رسیده و قرمز به آدم چشمک می‌زنند. استاد من را به داخل دعوت می‌کند تا اولین گالری‌گردی، دیدن آثار خودش باشد؛ آثاری که کسی آنها را ندیده، و گویا ایشان تمایلی هم به نمایش آنها ندارند. می‌گوید: «من به سانسور در ایران احترام می‌گذارم.» این جزو عجیب‌ترین جملاتی بوده که در این سال‌ها از هنرمندی شنیدم با اینکه کاملاً مخالف سانسور و ممیزی است. سوار اتوبوس می‌شویم و در طول راه درباره خیلی چیزها صحبت می‌کنیم، سیاست، روانشناسی، تاریخ هنر و خاطراتی که گاموبیگاه وی برای موضوع صحبت از آنها نشانی می‌دهد.

مقصد اول: تاریخ بازی

مقصد اول، گالری اعتماد با عنوان «تاریخ بازی» ۹۳اتر نقاشی در ابعاد ۱۵×۲۳ که توسط ۹۳ نقاش از چهره ۹۳سیاستمدار کشیده شده‌اند. در این میان پنج سیاستمدار، ایرانی و بقیه متعلق به کشورهای دیگر دنیا هستند. کلاتری می‌گوید: «چنین نمایشگاهی در طول عمرم در ایران ندیدم، چه عجب که یکجا نمایشگاهی با ایده متفاوت برپا کرده. الان اکثر گالری‌ها کارهایی را فقط به دیوار می‌آویزند و تنها انتظار فروش دارند، گالری مملو از جمعیت است. در میان اسامی هنرمندان، چهره‌های سرشناس هم دیده می‌شوند. آیدین خاتکشی‌پور، نمایشگاه‌گردان (کیوریتور) این مجموعه را پیدا می‌کنم تا استاد از او سوالاتی بپرسم. او می‌گوید: «هنرمندان شرکت‌کننده میانه‌گین از سن ۲۸سال تا ۶۸سال دعوت شدند و علت انتخاب ایشان فیکوراتیو بودن آنها بوده.» البته بعضی‌ها هم با شناختی که من دارم شامل این دسته نمی‌شدند. در ادامه توضیح می‌دهد که این نمایشگاه به تأسی از حرکت لوسین فروید طراحی شده و به مناسبت روز تولد ۹۳سالگی وی لوسین فروید در سال ۲۰۰۱ تصویر ملکه الیزابت را در این ابعاد عجیب نقاشی کرد و به خاطر این کار وی (ملکه الیزابت) ۲۰بار به اتلیه وی مراجعه کرده.» کتاب نمایشگاه را از او می‌گیریم و به تماشای تابلوها ادامه می‌دهیم. اکثر آثار، بازنمایی چهره سیاستمداران بودند که رد پای کشش و نگاه خالق اثر در آثار واضح و مشخص بود. از میان این ۹۳تک یک اثر بوم سفید بود متعلق به مریم سالیانه که تابستان امسال از بین ما رفت. از کلاتری سوال کردم به‌نظر شما این روزها پرگزاری بعضی نمایشگاه‌ها یا سوزهای مثلاً سیاسی یا حتی اجتماعی به‌نظر منم نشده؟ چون طرفدار آن طرف ای دارد و همه به سمت اجرای این سوزها روی آورده‌اند. او به شدت حرف من را رد می‌کند

پرستویی در مراسم رونمایی از طرح معماری «خانه‌هنر هریس»:

«خانه‌سینما» را «خانه فساد» می‌نامیدند



عکس: محمود رحمانی، شهر

محمد تاجیک: مراسم رونمایی از طرح معماری «خانه‌هنر هریس» روز سه‌شنبه ۱۹آذر با حضور سینماگران مطرحی چون پرویز پرستویی، کمال تبریزی، رضا میرکریمی، رضا کیانیان، مهتاب کرامتی، هامیون ارشادی، شبنم مقدمی، دکتر سربر، مرتضی زراقی کریمی، علیرضا خسمه و… با حضور ایوبی، رییس سازمان سینمایی و محمدرسول صادقی، مدیر روابط‌عمومی سازمان سینمایی و بااجاری کامران ملکی بر گزار شد. در ابتدای این مراسم پرویز پرستویی، بازیگر مطرح سینما به‌عنوان عضو ستاد کمک‌رسانی سینماگران به زائران‌زدگان استان آذربایجان شرقی، در صحبت‌هایی گفت: «خانه‌سینما حدود یک‌سال‌و‌نیم بسته بود و مخالفان آن اینجا را خانه فساد می‌نامیدند و خانه‌سینما را مته‌م به انجام کارهای غیرقانونی و غیرشرعی می‌کردند. اما ما در این خانه درسته، کارهای بزرگی کردیم. در حالی که همه فکر می‌کردند ما بانی این موضوع هستیم اما فکر اولیه از خانه‌سینما بود اما در آن مقطع نمی‌توانستیم نامی از آن ببریم ولی توانستیم با آغوش باز مردم، این هدف را دنبال کنیم.» او تأکید کرد: شاید از نظر مخالفان خانه‌سینما کارهایی مثل کمک به مردم آذربایجان کاری غیرشرعی و غیرقانونی است. پرستویی با ارائه توضیحاتی درخصوص اقدامات انجام‌شده برای احضار خانه هنر در شهرستان هریس از محل کمک‌های مردمی که توسط سینماگران جمع‌آوری شده است، ادامه داد: خانه‌سینما قرار است برگزاری برنامه‌هایی را که در این مکان برگزار می‌شود برعهده بگیرد. پرویز پرستویی همچنین خبر داد که زارعی که زمینی در مجاورت این خانه هنر دارد نیز هزارمتر از زمینش را در اختیار این پروژه قرار داد. او با اشاره به یکی از حضاران به نام انصاری از اهدای کمک صد‌میلیون تومانی او به پروژه خبر داد. جنتاله ایوبی، رییس سازمان سینمایی نیز در صحبت‌هایی با اشاره به خاطر ده بسته‌بودن خانه سینما گفت: هنوز دل‌ها پر است و امیدوارم در این دوران با امید دل‌ها را خالی کنیم و گذشته را فراموش کنیم. حق شمامت که محبوب دل همه ایرانی‌ها باشید و کسانی که انسان‌های شریف را دوست دارند و حیف است که اینقدر آزاده باشید. در

هنر



همراه با پرویز کلاتری در گالری‌های تهران

غرق در رویای تهران دهه ۵۰

مریم امیرفرشی

می‌وی‌گوید: «اصلا مد بشود، چه اشکال دارد؟ نسل امروز درگیر است؛ درگیر پارادوکس‌های اجتماعی شدید که از آنها گریزی ندارد. من هم به‌شدت از سیاست متنفرم با اینکه زندگی‌ام به‌طرز حیرت‌انگیزی آلوده به سیاست بوده. اما در این شرایط که مردم خسته و متغفل شدند و مثلاً آقای مهرجویی می‌آید و چنین اعتراض می‌کند، خوب است که به این بهانه‌ها مردم کمی درگیر باشند. لوسین فروید با کار خودش سیاست را کوچک جلوه داده، از ملکه را هم، حتی تاجش را بزرگ‌تر کشیده که انگار برای تو بزرگ است!» اکثر آدم‌های حاضر پرویز کلاتری را به خوبی می‌شناختمد و او با صبوری و رویی گشاده با تک‌تک آنها گفت‌وگو می‌کرد. در این بین احمد و کیلی نقاش و مدرس نقاشی را دیدیم که اتفاقاً تصویر نلسون ماندلا را نقاشی کرده. به نظرش ایده این نمایشگاه خیلی خوب بود اما از لحاظ اجرایی، نمایشگاه را بسیار ضعیف دیده. و کیلی می‌گوید: «اکثر این نقاشان این‌کاره نیستند ما اصلاً ۹۳پرترمساز در ایران نداریم، اکثر این کارها به گرافیک نزدیک‌اند و از لحاظ تکنیکی ضعف دارند» و البته پرویز کلاتری با نظر او مخالف بود. به نظر او همه چیز تغییر کرده و وضعیت جوانی امروز با جوانی دوره وی بسیار فرق دارد. می‌گوید جوان امروز اینترنت دارد، تکنولوژی دارد و آثار هنرمندان جوان امروز فوق‌العاده هستند، اما دیده نمی‌شوند. مکت کوتاهی می‌کند. ابروهایش کمی در هم گره می‌خورد. می‌گوید: «این جوان‌ها باید صبور باشند، باید گفت‌وگو را بیندازند اشکال امروزی‌ها این است که

تعریف کرد، خیابان نادری و دعوای هنرمندان در باتوق‌های شبانه و چیزهایی که برای من به رویا می‌ماند. آرام و با لحنی بسیار دلنشین. گالری آخر: محسن، عکس‌های مهدی مقیم‌زاد با عنوان «وساطت الهی» پنجمین و آخرین فصل از پروژه «واقع‌نمایی‌ها». فضای گالری محسن چندان شلوغ نیست و البته علت آن نزدیک‌شدن به ساعت پایانی نمایشگاه است. اگرچه عکس‌ها باب سلیقه من نبود اما استاد از عکس‌ها خیلی خوش‌شان آمد. کلی با مقیم‌زاد درباره‌شان حرف زد من هم گهگاه مخالفتم را اعلام می‌کردم. عکس‌های مهدی مقیم‌زاد، فتومونتاژهایی بودند که سوزه مورد توجه در آن نشانه‌های مذهبی بود، نشانه‌هایی به رنگ سبزر، در فضاهایی واقعی، عجیب و وهم‌آلود، نکته مهم در درک آثار مهدی مقیم‌زاد اول توجه به این آثار در مجموعه‌ای کلی و دوم ایجاد پرسش و خلق گفت‌وگو در تجربه دیدن این آثار است. ویژگی‌ای که آثار وی را از نزدیک‌شدن به امری تزئینی و مشابه رویکردهای انواع رسانه‌ها در دهه‌های اخیر به این مضامین، کاملاً مجزا و متمایز می‌کند، نوعی تعلیق است؛ نوعی نگاه خیره که نه منتقداست نه تأییدکننده، عکس‌های مقیم‌زاد بازنمایی واقعیت است آنطور که او از زاویه دوربین خود دیده نه شعاری است و نه حتی نوستالژیک. در ابتدای بازدید وقتی درباره حضور نمادها به صورت کلیشه از کلاتری سوال کردم، قاطعانه پاسخ داد: «عکاس کاملاً مخالف همین موضوع است، وی با همین بخشش از هویت دارد مقابله می‌کند، این هویت از نظر عکاس گرفتار، پیچیدگی هویت ایرانی در یک دوگانگی است» و در ادامه در مقابل عکسی نگاهش بر آن پرنده‌هایی حضور داشتند که نماد به‌کاررفته در آیین‌های مذهبی هستند و بانمادهای دیگری ترکیب شده بودند، ادامه داد: «مرغ‌ها خیلی حرف دارند، یک سرشان در منطق‌الطیر است، آن ۳۰ تا مرغ که شدند سمیرغ، شدند جواب‌آباد همین کتوراتی که امروز روی علم و کتل جا گرفته‌اند، این فضاها عمگین و مه‌آلود هستند اما جغرافیای ایران را خوب آدرس دادند.» البته آقای مقیم‌زاد هم حرف‌های رزند اما چون نمی‌دانستند من درحال ضبط گفت‌وگو هستم، چیزی از آن را در این جانی‌نویسم. بعد از چهارساعت‌ونیم سر پایستادن، گالری را ترک کردیم. کلاتری را به مقصد رساندم او دایم از من تشکر می‌کرد در صورتی که من واقعا ممنون او بودم؛ ممنون انرژی و نوع نگاهش به زندگی، و خضوعی که به نظر عجیب می‌آمد؛ در مقابل رفتار هنرمندان معاصر که با کمی شهرت، از پشت عینک‌های سفید یا سیاهشان دیگران را نمی‌بینند و هنوز یک دهه از عمر حرفه‌ای‌شان نگذشته، امر بر ایشان مشتبه می‌شود. نم باران دوباره شروع شد. من غرق در رویای تهران دهه ۵۰، در حال تجربه خیابان‌های تهران دهه ۹۰ به مسیر خودم ادامه دادم.

شهاب حسینی: حقیقت، لازمه سینماست



جشنواره باغث می‌شود دیدگاه عموم به سینمای مستند تغییر کند و بیشتر از این سینما استقبال شود. چند وقت پیش دو فیلم مستند را درباره طبیعت ایران هم‌زمان با هم دیدم؛ یکی از آنها را ایرانی‌ها و دیگری را یک گروه مستندساز حرفه‌ای از خارج ایران ساخته بودند. طبیعت ایران در فیلم دوم بسیار متفاوت با مستند دومان دیده می‌شد. تصویر، رنگ، زیبایی‌شناسی و همه‌چیز آن از لحاظ ساختار متفاوت بود. شات‌هایی از طبیعت ایران نشان می‌داد که بیننده باورش نمی‌شد که چنین مناظری در ایران وجود دارد. ولی مستند داخلی که از طبیعت ایران تهیه شده بود، صرفاً تصویرهای گزارش‌ی بود و خیلی از معیارهای زیبایی‌شناسی یک فیلم مثل نور خوب، قاب‌بندی‌های درست و… در آن رعایت نشده بود. کاملاً مشخص بود که یک فیلم سفارشی برای تلویزیون بوده نه یک اثر هنری در قالب مستند. روایت فقط مختص سینمای داستانی نیست. فیلم‌های مستند هم یک خط روایی دارند و باید این مساله در فیلم لحاظ شود.»

صدائق احتیاج داردان من این جمله را قبول دارم. حقیقت لازمه

سینماست. میزان واقع‌انگاری قصه‌ای که در فیلم سینمایی پیش می‌رود نشان می‌دهد که سینما ریشه در مستند دارد. هر داستانی بر اساس یک زندگی یا شرایط حقیقی شکل گرفته است. من به تخیل صرف اعتقاد ندارم. به نظرم تخیل هم ریشه در حقیقت دارد. برای همین معتقدم سینمای مستند و سینمای داستانی سرمنشا مشترکی دارد. برای همین هم یک ربط آرلی به یکدیگر دارند. خوشبختانه الان نسبت به گذشته گرایش‌ها به این شاخه از سینما بیشتر شده ولی متأسفانه رسانه ملی به‌طور جدی به مقوله مستند زیاد نمی‌پردازد. در مستند می‌پردازند و این باعث شده مردم به سینمای مستند بیشتر از قبل علاقمند شوند. تلویزیون ما هم می‌تواند این روند را پیش بگیرد و جایگاه سینمای مستند را آنطور که در شأن آن هست بالا ببرد.» شهاب حسینی در پایان، پیرامون اثرگذاری جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت نیز گفت: «این

مهدی رحمانی، کارگردان مستند «گلاف» تأکید کرد:

اهمیت مستند قوم‌شناسی در زمان

شهاب حسینی، بازیگر مطرح سینمای ایران که با دعوت

محمد تاجیک: مراسم رونمایی از طرح معماری «خانه‌هنر هریس»:

شهاب حسینی، بازیگر مطرح سینمای ایران که با دعوت

چهره روز

غیبت برنده نوبل ادبی در مراسم

آلیس مونرو: بهترین نبوده‌ام



● شرق: تقریباً همه می‌دانستند که صدودهمین برنده نوبل ادبی قرار نیست در مراسم دریافت جایزه شرکت کند. آلیس مونرو که در خانه دخترش شیلیا در ایالت «ویکتوریا» کانادا مراسم را می‌دید، دخترش جنی را فرستاده بود تا جایزه یک‌میلیون و ۴۰۰هزاردلاری نوبل را به‌همراه دیپلم افتخار و مدال نوبل برای دفتری بیاورد که قرار نیست در آن قسه تازه‌ای بنویسد. مونروی ۸۲ساله در پیام ۳۰دقیقه‌ای ویدیویی خود اعلام کرد از نویسندگی خسته شده و این جایزه بزرگ پایانی برای حضور حرفه‌ای اوست. این گفت‌وگوی ویدیویی در حقیقت سخنرانی او در آکادمی علوم سلطنتی سوئد بود. مونرو که سیزدهمین زنی است که جایزه نوبل را دریافت کرده درباره گرفتن جایزه مهم ادبی جهان گفت: «من یک زن هستم، اما زنان دیگری هم بودند که این جایزه را برده‌اند. پیش از آن فکر نمی‌کردم که آن را ببرم؛ از آن‌رو که بیشتر نویسندگان کارهای خودشان را پس از اتمام، دست‌کم می‌گیرند. مسلماً هیچ‌کس از قبل به دوستاش نمی‌گوید احتمالاً جایزه نوبل را خواهد برد. خیلی خوشحالم که جایزه نوبل را کسب کردم، اما هرگز این تصور غلط که کتاب‌های من بهترین بوده‌اند را نداشته‌ام.» مونرو مانند هرتا مولر و اورهان یاموک به‌جای واردشدن در فلسفه نویسندگی‌اش از داستان نویسنده‌شدنش گفت. آلیس مونرو که قبل از دریافت جایزه نوبل اعلام بازنشستگی کرده بود؛ بار دیگر درباره کناره‌گیری از نوشتن گفت: «من نویسندگی را حدود یک‌سال پیش کنار گذاشتم، این تصمیم از سر نخواستن یا ناتوانی در نوشتن نبود، بلکه می‌خواستم مانند بقیه مردم جهان رفتار و زندگی کنم. زیرا وقتی تو می‌نویسی، در حال انجام کاری هستی که دیگران از آن بی‌اطلاع هستند و واقعا نمی‌توان درباره آن صحبت کرد. وقتی در دنیای واقعی کاری انجام می‌دهی، در خلوت خودت همیشه راه دیگری را دنبال می‌کنی. من از نویسندگی دست کشیده‌ام، در ذهنم این تصمیمی دایمی است؛ زیرا من خیلی وقت است می‌نویسم.»